

« تذكرة أصول التذكير وتبصرة وجوه التقرير »

حدیث مکارم اخلاق و اعمال خیر^۱

نجم‌الدین ابو حفص عمر نسفی

(متوفای ۵۳۷ هـ)

^۱ عنوان اصلی: «مجلس خبر في الخير ويشتمل على أصول الدين وفروعه». این اثر بخشی از رساله «تذكرة أصول التذكير وتبصرة وجوه التقرير» نوشته امام نجم‌الدین نسفی است. این رساله حاوی ۲۸ «مجلس» وعظ و تقریرات به عربی و فارسی می‌باشد. این رساله در کتاب دایرة المعارف امام نجم‌الدین نسفی بنام «مجمع العلوم ومطلع النجوم» درج است، که نسخه خطی آن در اکادمی علوم ازبکستان به شماره ۱۴۶۲ نگهداری می‌شود.

این متن را دکتر محمد عمر جويا از روی نسخه خطی ازبکستان تصحیح نموده، و توسط مرکز مجازی مطالعات اسلامی و احیای آثار اسلامی بیانات (Bayyinat.org) به نشر می‌رسد. ثور ۱۴۰۲ هـ ش.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

مجلس خير في الخير ويشتمل على أصول الدين وفروعه:

قال نجم الدين [النسفي] رضي الله عنه وعز والديه: أخبرني الشيخ القاضي الإمام الأستاذ أبو اليُسْر محمد بن محمد بن الحسين [البرزدوي] رحمة الله عليه قال: حدثني الشيخ الإمام أبو نصر أحمد بن عبد الله الخيراخري قال: حدثني الشيخ الإمام اسماعيل بن الحسين الزاهد قال: حدثني الإمام أبو بكر محمد بن سعد بن نصر قال: حدثني أبو محمد جعفر بن محمد قال: حدثني أبو بكر محمد بن محمد الطرسوسي قال: حدثني الحسين بن علي بن محمد قال: سمعت أحمد بن بن أبي الحواري يقول: سمعت أبا سليمان الداراني يقول: حدثني شيخ بساحل دمشق يقال له علقمة بن زيد بن سويد الأزدي قال: حدثني أبي عن جدي سويد بن الحارث رضي الله عنه قال:

«وَفَدْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ سَابِعَ سَبْعَةٍ مِنْ قَوْمِي ... ، فَلَمَّا دَخَلْنَا عَلَيْهِ وَكَلَّمْنَاهُ ، أَعْجَبَهُ مَا رَأَى مِنْ سَمْتِنَا وَزِينَتِنَا ، فَقَالَ : مَا أَنْتُمْ ؟ فَقُلْنَا : مُؤْمِنُونَ ، فَتَبَسَّمَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ ، وَقَالَ : إِنْ لَكُلِّ قَوْلٍ حَقِيقَةٌ ، فَمَا حَقِيقَةُ إِيمَانِكُمْ ؟ قَالَ سُوَيْدٌ : فَقُلْتُ خَمْسَ عَشْرَةَ خَصْلَةً : خَمْسٌ مِنْهَا أَمَرْتَنَا رِسْلُكَ أَنْ نُؤْمِنَ بِهِ ، وَخَمْسَةٌ مِنْهَا أَمَرْتَنَا رِسْلُكَ أَنْ نَعْمَلَ بِهَا ، وَخَمْسَةٌ مِنْهَا تَخَلَّفْنَا بِهَا فِي الْجَاهِلِيَّةِ ، وَنَحْنُ عَلَيْهَا إِلَّا أَنْ تَكْرَهَ مِنْهَا شَيْئًا .

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ : فَمَا الْخَمْسُ الَّتِي أَمَرْتَكُمْ رِسْلِي أَنْ تُوْمِنُوا بِهَا ؟ قُلْنَا : أَمَرْتَنَا رِسْلُكَ أَنْ نُؤْمِنَ بِاللَّهِ ، وَمَلَائِكَتِهِ ، وَكِتَابِهِ ، وَرَسُولِهِ ، وَالْبَعْثِ بَعْدَ الْمَوْتِ .

قال: فَمَا الْخَمْسُ الَّتِي أَمَرْتَكُمْ أَنْ تَعْمَلُوا بِهَا ؟ قُلْنَا : أَمَرْتَنَا رِسْلُكَ أَنْ نَقُولَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ ، وَأَنْ نَقِيمَ الصَّلَاةَ ، وَنُؤْتِيَ الزَّكَاةَ ، وَنُحِجَّ الْبَيْتَ مِنْ اسْتِطَاعِ إِلَيْهِ سَبِيلًا ، وَنَصُومُ شَهْرَ رَمَضَانَ ، وَنَحْنُ عَلَى ذَلِكَ .

قال: فَمَا الْخَمْسُ الَّتِي تَخَلَّفْتُمْ بِهَا أَنْتُمْ ؟ قُلْنَا : الشُّكْرُ عِنْدَ الرِّخَاءِ ، وَالصَّبْرُ عِنْدَ الْبَلَاءِ ، وَالصَّدَقُ فِي مَوَاطِنِ اللَّقَاءِ ، وَالرِّضَاءُ فِي مَوْضِعِ الْقَضَاءِ ، وَتَرْكُ الشَّمَاتَةِ بِالْمُصِيبَةِ إِذَا حَلَّتْ بِالْأَعْدَاءِ .

فَتَبَسَّمَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ : أَدْبَاءٌ حُكْمَاءُ عَقْلَاءُ فَقَهَاءُ ، كَادُوا مِنْ فَقْهِهِمْ أَنْ يَكُونُوا أَنْبِيَاءَ ، مِنْ خِصَالِ مَا أَشْرَفَهَا وَأَزِينَهَا وَأَعْظَمَ ثَوَابَهَا . قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ : أَوْصِيكُمْ بِخَمْسِ خِصَالٍ لِتَكْمَلَ عَشْرُونَ خَصْلَةً ، قُلْنَا : أَوْصِنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ ،

قال: إِنْ كُنْتُمْ كَمَا تَقُولُونَ فَلَا تَجْمَعُوا مَا لَا تَأْكُلُونَ ، وَلَا تَبْنُوا مَا لَا تَسْكُنُونَ ، وَلَا تَنَافَسُوا فِي شَيْءٍ أَنْتُمْ عَنْهُ تَزَالُونَ ، وَارْعَبُوا فِيمَا عَلَيْهِ تَقْدَمُونَ وَفِيهِ تَخْلُدُونَ ، وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ وَعَلَيْهِ تُعْرَضُونَ .

قال علقمة: فَانصَرَفَ الْقَوْمُ مِنْ عِنْدِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَقَدْ حَفِظُوا وَصِيَّتَهُ وَعَمِلُوا بِهَا ، فَلَا وَاللَّهِ مَا بَقِيَ مِنْ أَوْلَاكَ الْفِرَاقَ وَلَا مِنْ أَبْنَائِهِمْ غَيْرِي ، ثُمَّ قَالَ : اللَّهُمَّ اقْبِضْنِي غَيْرَ مَبْدَلٍ وَلَا مَغْيِرٍ ...»

[ترجمه: نجم الدین نسفی گفت: استاد امام ابوالیسر محمد بزدوی برایم روایت کرد که..... ابوسلیمان دارانی گفت: شیخی در ساحل دمشق که او را علقمه بن زید بن سوید الأزدی می‌نامیدند گفت: پدرم از پدرکلانم سوید بن الحارث روایت کرد که گفت: من جزو هفت نفر قومم بودم که نزد رسول الله ﷺ رفتیم، بر او داخل شدیم و با او هم صحبت شدیم. او از دیدن قامت و لباس ما متعجب شد. او فرمود: شما کی استید؟ گفتیم: ما مؤمنان هستیم. پس پیامبر ﷺ تبسم کرد و گفت: هر قوم از خود حقیقتی دارد، پس حقیقت ایمان شما چیست؟ سوید گفت: من گفتم که پانزده خصلت [داریم]؛ پنج خصلت را پیغام‌رسان‌های تو بما فرمودند تا به آن ایمان آوریم، پنج خصلت را بما فرمودند تا به آن عمل کنیم، و پنج خصلت را ما از دوران جاهلیت بر گرفته ایم، و بر آن هستیم جز اینکه اگر چیزی از آن را ناپسند بداری.

پیامبر ﷺ فرمود: آن پنج خصلتی که پیغام‌رسان‌هایم بشما گفتند ایمان آورید کدام‌هایند؟ ما گفتیم: آن‌ها به ما فرمودند تا به خداوند، فرشتگانش، کتاب‌هایش، پیامبرانش، و برانگیختن پس از مرگ ایمان آوریم.

پیامبر ﷺ فرمود: آن پنج خصلتی که به شما فرمودند تا عمل کنید کدام‌هایند؟ گفتیم: اینکه لا إله إلا الله محمد رسول الله بگوئیم، نماز برپا داریم، زکات بپردازیم، حج کردن خانه کعبه برای کسی که توان رفتن را داشته باشد، ماه رمضان را روزه بگیریم، و ما بر این‌ها هستیم.

پیامبر ﷺ فرمود: آن پنج خصلتی که شما خود برگرفته‌اید کدام‌هایند؟ ما گفتیم: شکر کردن حین توانگری، صبر کردن حین دشواری، صداقت ورزیدن در رویارویی، رضایت داشتن به قضاء، و اجتناب از شادی کردن به مصیبت دشمنان.

رسول الله ﷺ تبسم کرد و گفت: چه افراد سخن‌دان و حکیم و عاقل و پُرفهم؟! تو گویی به فهم انبیاء رسیده باشند. خصلت‌هایی که نیکوترین و زیباترین اند و بیش‌ترین ثواب را دارند. سپس رسول الله ﷺ فرمود: من شما را به پنج خصلت [دیگر نیز] توصیه می‌کنم تا بیست خصلت تکمیل گردند. گفتیم: بما توصیه کن ای پیامبر خدا.

آنجناب فرمود: اگر شما همین‌گونه که می‌گوئید استید، پس آنچه را که نمی‌خورید جمع نکنید، در آنچه زندگی نخواهید کرد آباد نکنید، چیزی که زائل می‌گردد برای آن رقابت و هم‌چشمی نکنید، به آن چیز رغبت ورزید که به آن پیشی گیرید و در آنجا جاودانه بمانید، و از خدایی بترسید که بسوی او برمی‌گردید و به درگاه او پیشکش می‌شوید.

علقمه گفت: این قوم از نزد پیامبر خدا رفتند و این وصیت او را گرامی می‌داشتند و به آن عمل می‌کردند، به خدا سوگند که از آن افراد و اولادشان جز من کسی دیگری نمانده است، و سپس گفت: خدایا مرا برگیر بدون اینکه بدل شوم و تغییر بکنم. [

[نجم الدين نسفی] گفت:

دلیل درستی خبر آن بود که ورا در قرآن دلیل بود، و مصداق این خبر [فوق] این آیت است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ [ای مؤمنان رکوع و سجود آرید، و پروردگار خویش را بپرستید، و کارهای خیر کنید، تا از همه ترسیدنی‌ها برهید و به همه امیدداشتنی‌ها برسید]؛ الحج: ۷۷.^۲

در حدیث [فوق]، بیست چیز یاد کرد؛ [۱] پنج از وی اصول توحید و معرفت است، [۲] پنج از وی ارکان دین است و شریعت است، [۳] پنج از وی بیان حسن سیرت است و معاملت است، و [۴] پنج از وی زهد و ورع تقیت است. و هرچهار نوع مقتضا این است: پنج اول در ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا﴾ است، پنج دوم در ﴿ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا﴾ است، پنج سوم و چهارم در ﴿وَافْعَلُوا الْخَيْرَ﴾ است. اگر این اجمال را تفسیر و تفصیل خواهی، و این اصل را بیان و تقریر خواهی، بگویم:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا﴾: ای،^۳ آنان که به پنج چیز ایمان آورده است. و [آن کس] اقرار با تصدیق به هر پنج کرده است ایمان آورده است. [پروردگار فرمود: منم خدای حق، و جز من خدای نی. و مرا فریشتگان اند، همه آفریدگان و بندگان من اند. کس را با من باش نیست^۴ و شرکت نی. مرا کتاب‌هاست وحی کرده به انبیاء؛ کلام من و صفت من، مخلوق و محدث نی. مرا پیامبران اند، گزیدگان [و] صادقان اند، کاذبان نی. همه خلق را بمیرانم، و روز قیامت زنده گردانم، در این هیچ شبهت نی.

این که ایمان به این پنج آوردید و نام مؤمن گرفتید، [به] فرمان پیش روید تا نام مطیع گیرید: ﴿ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ﴾. نماز بگزارید، و عبادت و عبودت^۵ بجای آرید؛ عبادت بندگی کردن و عبودت بنده بودن! عبادت بسیار است؛ سر همه پنج است و آن شرائع اسلام همه بیارید: لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ بگوئید، شباروزی پنج نماز در وقت با شرایط وی بیارید، زکات مال بدهید، حج بیارید، و روزه ماه رمضان بدارید.

﴿وَافْعَلُوا الْخَيْرَ﴾: آن جمله خیرها [است]. آن پنج که درجه گفت:

^۲ ترجمه آیات در این رساله را از روی «تفسیر نسفی»، که آن هم تألیف امام نجم الدین نسفی است، نقل می‌کنم.

^۳ «ای» لفظ عربی است، به معنی «یعنی».

^۴ یعنی کسی را با من توان همتایی نیست.

^۵ عبودت: بندگی.

[۱] «الشکر عند الرخاء»: در [همه] حال، نعمت شکر بجای آرید، از آن نعمت بسیار که دادم تان بعضی به درویش دهید که آن خیر است: ﴿وَأَنْفِقُوا خَيْرًا لِّأَنْفُسِكُمْ﴾ [و هزینه کنید مالها را، و آن بهتر مر شما را]؛ النغبین: ۱۶].

[۲] «والصبر عند البلاء»: در بلا صبر کنید چه آن خیر است: ﴿وَأَنْ تَصْبِرُوا خَيْرٌ لَّكُمْ﴾ [و آنکه شکیبایی کنید بهتر مر شما را به دنیا و عقبی]؛ النساء: ۲۵].

[۳] «والصدق في مواطن اللقاء»: صدق بجای آرید چه آن خیر است: ﴿فَلَوْ صَدَقُوا اللَّهَ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ﴾ [اگر راستی کردند با خدا، آن بهتر بودی مر ایشان را]؛ محمد: ۲۱]. با گفتار بی شرم^۶ محاربت کنید چه آن خیر است: ﴿وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ۗ ذَلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ﴾ [و جهاد کنید در سبیل خدای عزوجل به مالها تان و تنها تان، این بهتر مر شما را]؛ الصف: ۱۱].

[۴] «والرضاء في موضع القضاء»: رضا دهید به احکامی [که] در شرع ثابت کرده ام چه آن خیر است: ﴿فَإِنْ تَنَزَّعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ۗ ذَلِكَ خَيْرٌ﴾ [اگر داوری کنید در چیزی از امور دین، باز برید آن را به کتاب خدای تعالی و اخبار سید المرسلین ﷺ، اگر گرویده اید به خدای تعالی و قیامت، این بهتر و نیکوتر به عاقبت]؛ النساء: ۵۹]. و نیز رضا دهید به مکروهی که بر شما قضا و تقدیر کرده ام چه آن خیر است: ﴿وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ﴾ [و بسا که ناخوش دارید چیزی را و آن شما را بهتر]؛ البقره: ۲۱۶]. ﴿فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا﴾ [اگر کراهیت دارید ایشان را، بود که کراهیت دارید آن کاری که نهاده بود خدای تعالی در وی خیر بسیار]؛ النساء: ۱۹].

[۵] «وَتَرْكُ الشَّمَاتَةِ بِالمصيبة إذا حلت بالأعداء»: به غم دشمنان شادی مکنید، و دشمنانگی بجای مانید، و آشتی کنید، چه این خیر است: ﴿وَالصُّلْحُ خَيْرٌ﴾ [النساء: ۱۲۸].

پنج [خصلت] مصطفی یاد کرد، و آن همه در این فرمان ﴿وَأَفْعَلُوا الْخَيْرَ﴾ درآید، چه هر یکی از روی خیر است:

^۶ یکی از معانی شرم «اندک از مال دادن» یا «کمی از مال خود به کسی دادن است» (بنگرید به لغت نامه دهخدا). پس «گفتار بی شرم» به معنی گفتار بدون عمل است، یعنی کسی که به زبان مردم را به نفقه دادن فرامی خواند ولی خودش عملاً از مال خود نفقه و صدقه نمی دهد.

[۱] «لَا تَجْمَعُوا مَا لَا تَأْكُلُونَ» : مالی که نخورید جمع مکنید، دنیا بمانید و دین گیرید، این خیر است: ﴿فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ﴾ [به رحمت وی شادی کنند، آن بهتر نعمت‌های دنیایی است که ایشان فراز می‌آرند، یونس: ۵۸].

[۲] «وَلَا تَبْنُوا مَا لَا تَسْكُنُونَ» : در دنیا، خانه و دوکان و باغ و بوستان [فراتر از نیاز] مسازید، طاعت کنید تا بوستان بهشت یابید، چه آن خیر است: ﴿وَلَلدَّارُ أَلْءَآخِرَةُ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ﴾ [و بهشت جاودان بهتر مر متقیان را، الأنعام: ۳۲].

[۳] «وَلَا تَنَافَسُوا فِي شَيْءٍ أَنْتُمْ عَنْهُ تَزَالُونَ» : جهد و حرص در جمع [کردن] متاع قلیل دنیا مکنید، در طلب آخرت کنید چه آن خیر است: ﴿قُلْ مَتَّعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَأَلْءَآخِرَةُ خَيْرٌ﴾ [بگو یا محمد: برخورداری دنیا اندک است و ناپایدار و آن جهان بهتر، النساء: ۷۷].

[۴] «وَارْعَبُوا فِيمَا عَلَيْهِ تَقَدَّمُونَ وَفِيهِ تَخْلُدُونَ» : رغبت کنید که وعده خدای است مر مطیعان را، و آن خیر است: ﴿وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى﴾ [و آنچه آماده کرده است خدای تعالی مؤمنان را بدان جهان، بهتر و پاینده‌تر بی گمان، القصص: ۶۰].

[۵] «وَأَتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ وَعَلَيْهِ تُعْرَضُونَ» : از خدای ترسید و متقیان باشید، و آن خیر است: ﴿وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى﴾ [و توشه بگیرید دنیا و آخرت را، چه بهترین توشه‌ها تقوی است مر سفر قیامت را، البقره: ۱۹۷].

این پنج خصلت را نام خیر است، و ترا فرمان فعل خیر است. از آن بیست خصلت، ده خصلت در اقل و میانه آیت آمد، و ده خصلت در دو کلمه آمد. و بر هر بیست خصلت، وعده رستن دوزخ و یافتن بهشت آمد، ﴿لَعَلَّكُمْ تَفْلِحُونَ﴾ [تا از همه ترسیدنی‌ها برهید و به همه امیدداشتنی‌ها برسید؛ الحج: ۷۷].

پس این آیت مر آن خبر را دلیل صحت آمد. و عجب که بیست خصلت در سه امر مذکور آمد. عجب اینست که چون تأمل کردیم، هر بیست خصلت به یک امر مأمور آمد، و آن همان ﴿وَأَفْعَلُوا الْخَيْرَ﴾ [و کارهای خیر کنید؛ الحج: ۷۷].

چه در اول حدیث، بیان ایمان و توحید است، و خدای عزوجل می‌فرماید که ایمان آرید، که این خیر است: ﴿فَأَمِنُوا خَيْرًا لَّكُمْ﴾ [النساء: ۱۷۰]. و مشرکان را گفت: اگر شرک بمانید، آن خیر است: ﴿وَإِنْ تَنَتَهُوا فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ﴾ [و اگر باز ایستید از کفر، این مر شما را بهتر؛ الأنفال: ۱۹]. و آن پنج که شرائع است، آن را نیز نام

خیر است. پنج دیگر که بعد وی گفت «مکارم اخلاق» است، و آن را نام خیر است: ﴿وَقِيلَ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا مَاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ ۖ قَالُوا خَيْرًا﴾ [و گفته شود مر متقیان را که چه فرستاد خدای شما؟ گفتند: همه خوبی و نیکویی؛ النحل: ۳۰]، ای،^۷ مکارم الاخلاق. پنج چهارم ترک دنیا و طلب عقبی است، و آن خیر است: ﴿وَلِلْآخِرَةِ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَى﴾ [و هرآینه آن جهان ترا بهتر از این جهان؛ الضحی: ۴].

پس همین بیست خصلت خیر است و ترا فرمان فعل خیر است: ﴿وَأَفْعَلُوا الْخَيْرَ﴾ [و کارهای خیر کنید؛ الحج: ۷۷]:

- به فرمان من پیش روید، چه آن خیر است: ﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ فَعَلُوا مَا يُوعَظُونَ بِهِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ﴾ [و اگر ایشان بکردندی آنچه بدان ایشان را پند دادندی، آن مر ایشان را بهتر بودی؛ النساء: ۶۶].
- با خلق من راستی کنید، چه آن خیر است: ﴿وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ ۚ ذَلِكَ خَيْرٌ﴾ [و تمام پیمایید آنچه پیمودنی است، و به ترازوی راست سنجید آنچه سنجیدنی است، این بهتر در شریعت و نیکوتر به عاقبت؛ الإسراء: ۳۵].
- و بر خردگان^۸ [خوبی] کنید، چه آن خیر است: ﴿قُلْ إِصْلَاحٌ لَهُمْ خَيْرٌ﴾ [بگویی که آنچه در وی صلاح ایشان است خوب آید؛ البقره: ۲۲۰].
- آن طاعت‌ها هیچ ممانید، چه آن همه خیر است: ﴿أُولَئِكَ يُسْرِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ﴾ [آن‌ها ایند که می‌شتابند به خیرها؛ المؤمنون: ۶۱].
- زبان تسبیح و تحمید و تهلیل و تکبیر مشغول دارید، چه آن خیر است: ﴿وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ﴾ [کارهای نیکو بهتر به نزد خدای تعالی؛ مریم: ۷۶].
- و اگر معاصی آورده اید، توبه کنید، چه آن خیر است: ﴿فَإِنْ تَبُتُمْ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ﴾ [و اگر توبه کنید، آن مر شما را بهتر بود؛ التوبه: ۳]، تا بیمارم‌تان و آن خیر است: ﴿لَمَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَحْمَةٌ خَيْرٌ﴾ [آمرزش خدای تعالی بهتر مر شما را؛ آل عمران: ۱۵۷].

کرده شما را ضایع نکنم، و هر نیمه یک ذره خیر است: ﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ﴾ [هرکه خیری کرده است به مقدار ذره ای بیند عز و جلال خویش؛ الزلزله: ۷]. اینک بود آن روز حاضر کردن شر و خیر: ﴿يَوْمَ

^۷ ای «لفظ عربی است، به معنی «یعنی».

^۸ خردگان: اطفال، کودکان.

تَجِدُ كُلَّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ ﴿﴾ [بترسید از آن روزی که هر تنی در وی بیابد هرچه کرده است از خیر حاضر کرده، و آنچه کرده است از بدی آن نیز آورده؛ آل عمران: ۳۰].

و اهل خیر را آن روز رضای بهشت است که نامش خیر است: ﴿وَلَلدَّارُ اَلْءَاخِرَةُ خَيْرٌ﴾ [الأنعام: ۳۲]. این دار خیر آن‌ها راست که فرمان مرا ﴿وَأَفْعَلُوا اَلْخَيْرِ﴾ [الحج: ۷۷] پیش گرفته اند؛ آن پنج چیز که مکارم اخلاق است دانسته اند، آن پنج چیز که زهد و تقویست تمام کرده اند و فرونگذاشته اند، به یگانگی من معتقد آمدند، و يُذَكِّرُ العَشْرُونَ عَلَى التَّرْتِيبِ. لاجرم درآیند به بهشتی که نامش خیر است، در وی انسان را همه خیر بود هیچ شر نی، همه نفع بود هیچ ضرر نی، همه مُلْكَتُ بود هیچ عزل نی، همه عَزَّ بود هیچ ذُلَّ نی، نعمت بود حساب نی، لطف بود عتاب نی، و دیدار بود و حجاب نی!